

## متهم در بازسازی صحنه جنایت افشا کرد

## راز برادرکشی در طبقه ششم



متهم به برادر کشی هنگام تشریح صحنه جنایت در حضور قاضی صفری

بررسی‌های تخصصی پزشکی درباره علت اصلی مرگ این جوان ادامه داشت که قاضی ویژه قتل عمد مشهد، دستورات ویژه‌ای را برای رصدهای اطلاعاتی نامحسوس صادر کرد و بدین ترتیب گروهی از افسران کارآزموده اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی با نظارت و هدایت مستقیم سرهنگ مهدی سلطانیان (رئیس اداره جنایی) وارد عمل شدند و به تحقیق درباره چگونگی وقوع این حادثه هولناک پرداختند. قاضی دکتر «صادق صفری» پس از گزارش

مقدماتی کارآگاهان به نتایجی رسید که نشان می‌داد در پس ماجرای سکنه مغزی، جنایتی خانوادگی نهفته است چرا که برخی از نزدیکان متوفی حتی حاضر به کالبدشکافی جسد نیز نبودند. در همین حال گروهی از کارآگاهان به سرپرستی سرهنگ ولی نجفی (رئیس دایره قتل عمد آگاهی) و با راهنمایی‌های قاضی شعبه ۲۰۸ دادسرای عمومی و انقلاب، به طور ۳۰ روزه‌ای بررسی کردند و به سرخ‌های مهمی از یک جنایت پنهان رسیدند. این گونه بود که منزل «احمد-خ» (برادر مقتول) در بولوار

صبای کوی سیدی شناسایی شد اما او در منزل مسکونی حضور نداشت. ساعتی بعد با رد زنی‌های پلیسی، محل اختفای وی در خیابان سحر زبدره بین تحقیقات اطلاعاتی قرار گرفت و در یک عملیات ضربتی و هماهنگ به دام افتاد.

او که هرگونه اختلاف و درگیری با برادرش را انکار می‌کرد در بازجویی‌های مقدماتی خود را عزادار برادرش می‌دانست که به خاطر از دست دادن وی حتی توان سخن گفتن

ندارد!

ولی کارآگاهان که دیگر اسناد انکار ناپذیری را در دست داشتند به اظهارات او توجهی نمی‌کردند تا این که بالاخره «احمد» در مخصصه سوالات فنی قرار گرفت و در حضور قاضی صفری لب به اعتراف گشود و گفت: چاقو را چنان بر سر برادرم زده بودم که به سختی آن را از جمجمه‌اش بیرون کشیدم!

به گزارش اختصاصی خراسان، همزمان با اعترافات متهم که با پیگیری‌های جدی همسر مقتول نیز همراه بود، مقدمات بازسازی صحنه جنایت در کوی سیدی مشهد فراهم شد و متهم ۳۱ ساله به طبقه ششم ساختمان محل وقوع قتل، انتقال یافت. در ابتدای بازسازی صحنه جنایت، ابتدا سروان عظیمی مقدم (افسر پرونده) توضیحاتی را درباره این پرونده پیچیده جنایی ارائه کرد و سپس با دستور قاضی ویژه قتل عمد، «احمد-خ» متهم این پرونده (جنایی) مقابل دوربین قوه قضاییه قرار گرفت و به تشریح صحنه برادر کشی پرداخت. او گفت: با برادرم از مدتی قبل اختلاف داشتیم تا این که عصر روز حادثه و در پی یک تماس تلفنی با هم مشاجره کر دیم که کارمان به

توهین وفحاشی کشید.

پس از آن برادرم به محل درگیری در کنار آلودک کبوترها آمد و در نیم طبقه ششم درگیری فیزیکی بین ما رخ داد. من که خیلی عصبانی بودم چاقوی بزرگ آشپزخانه را برداشتم و با آن ضربه‌ای محکم به سرش کوبیدم. طوری که تیغه چاقو در سراو گیر کرد و به زمین افتاد. تیغه را از سر برادرم بیرون آوردم و در حالی که او به پشت بام طبقه پنجم افتاده بود از آن جا گریختم و موضوع را به برادر دیگرم «م» اطلاع دادم تا برادر مرحوم را به بیمارستان برسانند.

گزارش روزنامه خراسان حاکی است، اعترافات متهم به قتل در حالی مورد تجزیه و تحلیل‌های قضایی قرار گرفت که بررسی‌های مقدماتی نشان می‌دهد اختلاف دو برادر که با یکدیگر شریک کاری در ساخت و ساز ساختمانی بودند به خاطر مهریه ده‌ها میلیونوی بوده است. در همین حال اولیای دم مدعی شدند که «علی» (مقتول) مدتی قبل با همسرش دچار اختلاف خانوادگی شده بود و به خاطر این که در کناکش این اختلافات، مبالغ سنگین مهریه به اجرا گذاشته نشود و او به طور قانونی پس اندازی در حساب بانکی خود نداشته باشد، مبلغ زیادی را به طور امانت در اختیار برادرش قرار داده بود اما وقتی اختلافات به پایان رسید و زندگی آن‌ها رنگ شیرین گذشته را یافت دیگر «احمد» به تماس‌ها و خواسته‌های او برای پرداخت مبلغ مذکور پاسخ نمی‌داد و به همین دلیل اختلاف شدیدی بین آن‌ها وجود داشت که در نهایت به جنایت رسید.

بنابر گزارش روزنامه خراسان، بررسی‌های بیشتر کارآگاهان با دستورات ویژه قضایی برای کنکاش درباره این ادعاها و انگیزه قاتل از برادر کشی همچنان ادامه دارد.



قتل برادر در کنار لانه کبوتران



لفظی و توهین و فحاشی کشیده است.

در همین حال او شاهدهی را به دادسرا معرفی کرد که روز حادثه در متن ماجرا قرار داشت و با دیدن صحنه‌ای دلخراش کابوس وار زندگی می‌کرد. این شاهد نیز سخن از یک جنایت وحشتناک گفت که در پشت بام نیم طبقه ششم و در کنار لانه کبوتران رخ داده است! بنابر این گزارش، هنوز

## کشف بره‌میش وحشی در بازرسی از منزلی در کرمان

**کرمانی/**یک‌راس بره‌میش وحشی در بازرسی از منزلی در کرمان کشف شد.

به گزارش خراسان، فرمانده یگان حفاظت محیط زیست استان کرمان گفت: یک‌راس بره میش‌زنده در بازرسی از یک منزل در شهرستان کرمان، کشف و متخلف نگهداری آن، دستگیر و به مرجع قضایی معرفی شد.

نادر سیدی افزود: به دنبال گزارش دوستان دران حیات وحش مبنی بر نگهداری

یک‌راس بره‌میش در منزلی در کرمان، ماموران اجرایی محیط زیست استان با هماهنگی لازم با مقام قضایی و دریافت دستور قضایی وارد منزل او شدند. وی ادامه داد: در جریان این بازرسی، یک راس بره میش زنده کشف و ضبط شد که در این زمینه فرد متخلف دستگیر و پرونده برای سیر مراحل قانونی به مرجع قضایی تحویل داده شد. سیدی بیان کرد: نگهداری

## آگهی تجدید مناقصه یک مرحله ای

**فراخوان شماره ۰۶۰۰۰۰۶۶۶۶۰۰۹۳۲۰۰۱ (نوبت اول)**

**شهرداری سبزوار** در نظر دارد تجدید مناقصه عمومی خرید لوازم یدکی اتوبوس اسکانیا را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل مناقصه از دریافت اسنادات ا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس (www.setadiran.ir) انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

• تاریخ انتشار مناقصه در سامانه ۱۴۰۱/۰۴/۱۴ می باشد.

• مهلت دریافت اسناد مناقصه: ۱۴۰۱/۰۴/۲۳

• مهلت زمانی ارائه پیشنهاد: ۱۴۰۱/۰۵/۰۴

• زمان بازگشایی پاکت ها: ۱۴۰۱/۰۵/۰۵

• مبلغ شرکت در مناقصه: ۶۹۳/۰۰۰/۰۰۰ ریال

علاقه مندان به شرکت در مناقصه می بایست جهت ثبت نام و دریافت گواهی الکترونیکی(توکن) به شماره ۰۲۱۴۱۹۳۴ مرکز پشتیبانی و راهبری سامانه تماس حاصل نمایند.

**موسی رجب زاده – شهردار سبزوار**

ت/۰۲۱۷۸۵۲۰

## در امتداد تاریکی

## وسوسه‌های شیطانی!

با آن که زندگی تلخ و درناکی را پشت سر گذاشته بودم باز هم همواره سرزنش می‌شدم تا این که برای دومین بار از دواج کردم اما اکنون همسرم بعد از ۷ سال زندگی مشترک تحت تاثیر سخنان خیانت بار دیگر ان قرار گرفته است و...

به گزارش خراسان، زن ۲۳ ساله در حالی که بیان می‌کرد از زندگی مشترک رضایت دارم اما اکنون سوء ظن بیهوده همسر، زندگی ام را در آستانه نابودی قرار داده است به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری طبرسی شمالی مشهد توضیح داد: تازه وارد نهمین بهار زندگی ام شده بودم که مادرم مسیر طلاق را در پیش گرفت و از پدر معتام جدا شد چرا که اعتقاد داشت همسرش می‌خواهت منی کند بعد از این ماجرا من و خواهر ۵ ساله‌ام در کنار مادر ماندیم. او هم با کارگری در خانه‌های مردم مخارج زندگی را تأمین می‌کرد چند ماه بعد مادرم با مرد متاهلی آشنا شد و با او ازدواج کرد اما آن مرد حاضر نشد سرپرستی من و خواهرم را به عهده بگیرد چرا که می‌ترسید از دواج پنهانی اش آشکار شود به همین دلیل مادرم من و خواهرم را نزد پدرم فرستاد که اونیز بازن دیگری از دواج کرده بود و یک دختر خردسال داشت. برای آن که نامادری ام را بیرون نکنند و در خیابان‌ها سرگردان نشویم هر کاری از من می‌خواست انجام می‌دادم به خوبی از خواهر ناتنی ام مراقبت می‌کردم و امور خانه را با دقت و وسواس انجام می‌دادم با وجود این باز هم پدرم پیشنهاد همسرش من و خواهرم را به بهترینی سپرد تا بیشتر از این سر بار آن‌ها نباشیم. مادرم وقتی در جریان موضوع قرار گرفت به پای شوهرش افتاد و با التماس از او خواست تا ما را به خانه خودشان بازگرداند. بالاخره من و خواهرم نزد مادرم بازگشتیم اما هنوز ۲ ماه بیشتر از حضور مانگشته بود که باز هم بحث و جدل بین آن‌ها شروع شد و مادرم که فهمید نمی‌تواند از ما مراقبت کند و پایه‌های زندگی خودش لرزان شده است دوباره ما را به بهترینی برد. وقتی روزهای سختی را در بهترینی می‌گذراندم دیگر آن احساس قبلی را به مادرم نداشتم چرا که فکری می‌کردم من و خواهرم قربانی خوشگذرانی و آسایش او شده ایم. خلاصه چند ماه بعد روزی پدر بزرگم به سراغ ما آمد و من و خواهرم را از بهترینی تحویل گرفت و به خانه خودشان برد در حالی که به تازگی طعم خوشبختی و آزادی را می‌چشیدم ناگهان پدر بزرگم دچار سکنه قلبی شد و جان خود را از دست داد و بدین ترتیب سر نوشت سیاه من و خواهرم دوباره به سر اغمان آمد در این شرایط وقتی مادرم وضعیت درناک و زجرآور ما را دیدن به ناچار ما را نزد خودش برد یک سال بعد از این ماجرا پسری به خواستگاری ام آمد که همبازی دوران کودکی ام بود. من پولادر ا دوست داشتم به همین خاطر خیلی زود مراسم عقد کنان ما برگزار شد. با آن که من ۱۴ سال بیشتر نداشتم اما به نامزدم عشق می‌ورزیدم و آرزو داشتم هر چه زودتر زندگی مشترکمان را آغاز کنیم اما متأسفانه خانواده‌های ما به خاطر هر موضوع کم اهمیتی با یکدیگر اختلاف پیدا می‌کردند و زندگی ما را تحت تاثیر خواسته‌ها و اعتقادات خودشان قرار می‌دادند تا جایی که بالاخره من و پولادر همان دوران نامزدی از یکدیگر جدا شدیم. حالا دیگر روزگار بسیار تلخی را می‌گذراندم. شوهر مادرم مدام غمی‌زدو ما را نان خورهای اضافه می‌خواند. مادرم نیز با تبع سرزنش هایش همواره قلبم را می‌خراشید ولی من چاره‌ای جز تحمل نداشتم. در همین شرایط خواهر کوچکم نیز برای فرار از این شرایط اسفبار با اولین خواستگارش ازدواج کرد اما در مدت کوتاهی طلاق گرفت چرا که شوهرش مردی معنادور خاشگر بود. حالا دیگر زندگی در این آشفته بازار برای من خیلی درناک بود تا این که کبان به خواستگاری ام آمد. او در امور خدماتی و نظافتی یکی از شرکت‌های هواپیمایی کاری می‌کرد و نامزدش به خاطر اعتیاد از او طلاق گرفته بود. اما بعد از این جدایی، کبان اعتیادش را ترک کرده بود به گونه‌ای که ۴ سال از زمان ترکش می‌گذشت از سوی دیگر من هم در شرایط خوبی نبودم به خواستگاری او پاسخ مثبت دادم. این گونه بود که زندگی مشترک ما آغاز شد و یک سال بعد پسرم امیر به دنیا آمد. ۲ سال بعد نیز دختران دوقلویم را در آغوش گرفتم و زندگی عاشقانه‌ای را در حالی تجربه می‌کردم که مادرم نیز از شوهرش طلاق گرفت و به عقد موقت مرد دیگری درآمد. خلاصه بعد از گذشت ۳ سال از زندگی مشترک تازه در مسیر خوشبختی قدم گذاشته بودم که یک شیطان خناس دوباره مسیر زندگی ام را به بی‌راهه کشاند چرا که یک روز من برای بیماری زنانگی نزد پزشک متخصص رفتم و فرزندانم را به عروس عمه همسرم سپردم وقتی از مطب پزشک بیرون آمدم ساعتی را در یکی از مراکز تجاری گذراندم و به وترین لباس فروشی‌ها نگاه می‌کردم وقتی به خانه بازگشتم همسرم با عصبانیت سوال می‌کرد چگونه ۳ ساعت را در خارج از منزل سپری کرده‌ام او هیچ کدام از مدارکی را که داشتم باور نمی‌کرد و نسبت به من سوء ظن داشت تازه فهمیدم که پسر عمه کبان به او گفته است همسر سابقش با همین شیوه و نیرنگ‌ها ۳ سال به او خیانت کرد تا این که متوجه شد همسرش بیماری زنانگی را ابتلانه‌ای برای معاشرت با یک مرد غریبه قرار داده است و...

گزارش خراسان حاکی است با راهنمایی‌های ارزنده سرگرد دجواد یعقوبی (رئیس کلانتری طبرسی شمالی) بررسی روان شناختی این ماجرا توسط مشاوران دایره مددکاری اجتماعی آغاز شد.

**ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی**

## سرقت سیم برق برای تهیه

## مواد افیونی مصرفی

**توکلی/** با گزارش هوشمندان یک شهروند سیرجانی به پلیس، سارقان کابل برق شبکه‌های هوایی به دام افتادند. به گزارش خراسان، فرمانده انتظامی شهرستان سیرجان بیان کرد: به دنبال افزایش سرقت کابل برق در مناطقی از سطح شهرستان سیرجان، بررسی موضوع به صورت ویژه در دستور کار مأموران انتظامی قرار گرفت. سرهنگ مرتضی امیر سینکی افزود: نیروهای انتظامی کلانتری ۱۳ با گشت‌زنی‌های شبانه پس از گزارش به موقع و دقیق یک شهروند از خاموشی معابر و مشاهده افراد مشکوک در حوالی تیرهای برق، سه سارق را هنگام سرقت غافلگیر و آنان را به همراه ابزار آلات انجام سرقت دستگیر کردند. وی ادامه داد: این سارقان که دارای سابقه سرقت و گرفتار اعتیاد به مواد روان گردان بودند در بازجویی‌های انجام شده به ۱۳ فقره سرقت سیم و کابل برق شبکه‌های هوایی به مقدار هزار و ۵۳۰ متر اعتراف کردند که با فروش اموال سرقتی مواد مصرفی خود را تهیه می‌کردند.

این مسئول انتظامی با اشاره به این که در بازرسی از خودرو و مخفیگاه این سارقان ۹۸ متر انواع سیم و کابل برق هوایی دیگر کشف شد، خاطر نشان کرد: با هماهنگی‌های لازم اموال سرقتی تحویل اداره برق شد و متهمان نیز پس از تشکیل پرونده مقدماتی به مرجع قضایی تحویل داده شدند.

## «آگهی مناقصه»

## یک شرکت معتبر خصوصی جهت ساخت چند سالن

## نیاز به پیمانکار سوله ساز حرفه ای و معتبر دارد

## جهت گرفتن مشخصات و تهیه استعلام با شماره تلفن ۰۹۳۶۰۷۰۱۴۱۰ و یا

## شماره ۰۹۱۵۳۰۸۰۰۲۳۳ از طریق ارسال پیام در واتساپ از تباط برقرار نمایید.

ت/۰۲۱۷۸۵۲۱

